

آسیب‌پذیری قدرت‌های بزرگ در محیط جنگ ناهمتراز

مؤلف:

کیومرث حیدری



انتشارات دانشگاه فرماندهی و ستاد دانشگاه جنگ

ارتش جمهوری اسلامی ایران

تابستان ۱۳۹۲

سرشناسه	:	حیدری، کیومرث، ۱۳۴۳
عنوان و نام پدیدآور	:	آسیب پذیری قدرت‌های بزرگ در جنگ ناهمتراز/ مؤلف کیومرث حیدری.
مشخصات نشر	:	تهران: ارتش جمهوری اسلامی ایران، دانشگاه فرماندهی و ستاد آجا، انتشارات دافوس، ۱۳۹۰
مشخصات ظاهری	:	۱۸۸ص.
شابک	:	۹۷۸-۹۶۴-۲۵۲۳-۴۷-۴
وضعیت فهرست‌رسانی	:	فیا
یادداشت	:	کتابنامه
موضوع	:	جنگ نامتقارن
شناسه افزوده	:	ایران، ارتش، دانشگاه فرماندهی و ستاد، انتشارات
رده بندی کنگره	:	۱۳۹۲ ۵۱۹/۱۶۳۱۱
رده بندی دیویی	:	۳۵۵ / ۰۳۳۵
شماره کتابشناسی ملی	:	۲۳۵۸۵۹۰

عنوان	:	آسیب پذیری قدرت‌های بزرگ در جنگ ناهمتراز
مؤلف	:	کیومرث حیدری
ویراستار	:	حسین مؤمنی فرد
طرح روی جلد	:	محمد رضا خزینه دارلو
صفحه آرایشی	:	مرتضی جباری
ناشر	:	انتشارات دانشگاه فرماندهی و ستاد دانشگاه جنگ آجا
شمارگان	:	۱۰۰۰ جلد
تاریخ انتشار	:	تابستان ۱۳۹۲
چاپ	:	اول
لیتوگرافی، چاپ و صحافی	:	چاپخانه دانشگاه فرماندهی و ستاد آجا
قیمت	:	۶۵۰۰ تومان
نشانی	:	تهران، میدان پاستور، خیابان دانشگاه جنگ، دانشگاه فرماندهی و ستاد آجا

تلفن: ۰۲۱-۶۶۴۱۴۱۹۱

www.dafoosaja.ac.ir

مسئولیت صحت مطالب بر عهده‌ی مؤلفین می‌باشد
کلیه حقوق برای دافوس آجا محفوظ است. (نقل مطالب با ذکر مأخذ بلامانع است.)

«فهرست مطالب»

صفحه	عنوان
۷	مقدمه
۱۱	پیش گفتار
۱۶	رسالت ما در سال آینده
۲۱	فصل اول: نابینا شدن و ماهیت جنگ ناهمتراز
۲۲	تعاریفی از جنگ ناهمتراز
۳۷	ماهیت جنگ ناهمتراز
۴۳	تفاوت در توان نظامی
۴۸	نقش رسانه های تصویری
۵۳	فصل دوم: آسیب پذیری قدرت های بزرگ از ناحیه بازیگران غیردولتی
۵۶	آسیب پذیری نیروی زمینی کشورهای ابر قدرت در جنگ ناهمتراز
۶۰	جنگ ناهمتراز در زمین های پیچیده
۶۴	حادثه موگادیشو
۷۶	آسیب پذیری قدرت هوایی کشورهای غربی و آمریکا در جنگ ناهمتراز
۹۲	پخش پارازیت
۹۳	فریب مهمات های هدایت شونده به وسیله مبارزان یا گروه های ناهمتراز
۹۶	بی اثر کردن سلاح های هدایت شونده از طریق جابه جایی هدف
۹۷	ترفند دشمن در جابه جایی اهداف
۹۸	هواپیماهای بدون سرنشین
۹۹	نقاط ضعف و آسیب پذیر هواپیماهای بدون سرنشین
۱۰۱	ماهواره ها

«فهرست مطالب»

۱۰۴	آسیب‌پذیری قدرت دریایی کشورهای ابر قدرت غربی در جنگ ناهمتراز
۱۲۱	فصل سوم: آسیب‌پذیری قدرت‌های بزرگ در بُعد تهدید منافع جهانی آن‌ها در جنگ ناهمتراز
۱۳۹	فصل چهارم: آسیب‌پذیری قدرت‌های بزرگ در بُعد زندگی سیستمی، جنگ اطلاعات و فریب
۱۴۶	سایبرنتیک
۱۴۷	جنگ اطلاعات رایانه‌ای
۱۴۸	جنگ سایبر
۱۵۲	آینده جنگ اطلاعات
۱۵۴	تعاریف
۱۷۰	آموزش جنگ الکترونیکی
۱۸۱	فصل پنجم: نتیجه‌گیری کلی
۱۸۶	منابع و مآخذ

مقدمه

اساس نظام دفاعی میهن اسلامی ما را دفاع از اسلام، ارزش‌های متعالی آن و آرمان‌های جمهوری اسلامی ایران تشکیل می‌دهد و رهنامه آن نیز بر مبنای نقطه نظرات امام راحل (ره) تحت عنوان دفاع همه‌جانبه تدوین شده است. به همین سبب، واژه شکست به مفهوم رایج آن در قاموس دفاعی ما جایی ندارد. آن‌جا که خالق هستی بر شکست‌ناپذیری حق در برابر باطل تأکید دارد، جایی برای عرضه اندام اندیشه محدود بشری باقی نمی‌ماند. از امام علی(ع)، این عصاره خلقت، ثقلی بدین مضمون داریم: «هر که با حق در آویزد شکست او حتمی است». فرمایش ژرف و عمیق امام راحل و بزرگوار (ره) هم در دوران دفاع مقدس مبنی بر این‌که: «چه بکشیم و چه کشته شویم، پیروزیم» از همین کلام ناب نشأت گرفته است.

نگاهی گذرا به جنگ‌های دینی که باره‌ای از جزئیات آن‌ها در تاریخ ثبت گردیده، از کهن‌ترین آن‌ها یعنی جنگ ساهمتراز داوود (ع) با گولیات گرفته تا جنگ‌های صدر اسلام که پیامبر بزرگوار اسلام (ص) در آن‌ها حضور داشتند و پس از آن در جنگ‌های حضرت علی (ع) با فرق مختلف و حتی جنگ‌های اخیر، نظیر جنگ تحمیلی ۸ ساله مؤید آن است که همواره یک طرف منازعه و اغلب قوای حق از امکانات، افراد و تجهیزات کم‌تری نسبت به جبهه باطل برخوردار بوده‌اند، ولی همیشه عامل ایمان و اعتقاد به مبدأ هستی رهگشای نیل به پیروزی و موفقیت نهایی شده است؛ بدیهی است این نوع قضاوت از هر گونه تعصب مبرا بوده و تاریخ، خود بهترین گواه این مدعاست. مؤلفه ایمان و اعتقاد به هدف، عنصری مادی و فیزیکی نیست که بتوان آن را در سایه فناوری‌های مدرن اندازه‌گیری کرد، مورد ارزیابی قرار داد، سپس بر اساس آن توان رزمی طرف مقابل را سنجید. ایمان و اعتقاد برای دشمن، موضوعی ناشناخته و مبهم است که در جدال حق و باطل به صورت‌های مختلف خود را آشکار ساخته و در نهایت به عامل پیروزی حق تبدیل می‌شود.

از دیدگاه ما نهضت حسینی به مفهوم واقعی، یک جنگ نابرابر یا به تعبیر رایج امروزی یک جنگ ناهمتراز آشکار بوده است؛ زیرا، توان فیزیکی دو طرف‌منازعه با هیچ توجیه و در هیچ بعدی قابل قیاس نبوده است. ولی عامل اعتقاد به یک هدف متعالی، آن چنان خود را در این جدال نابرابر، در میان اهل حق آشکار ساخت که یک پیروزی شگرف به وسعت همه تاریخ را رقم زد. کسانی که شکست و پیروزی در کربلا را از بُعد فیزیکی و مادی مورد بررسی قرار داده‌اند، بی‌شک راه خطایی رفته‌اند؛ زیرا، پیروزی در یک جنگ را باید با ارزیابی پیامدها و تأثیرات آن بر پیش‌دشمن تاریخ مورد قضاوت قرار داد نه با نتایج زود گذر و ناپایدار آن.

جنگ آخذ نمونه دیگری از این جدال نابرابر است. شکست ظاهری جبهه حق در این جنگ نیز جهت بیان این حقیقت بود که در کنار عقیده، ایمان راسخ نیز لازم است، در غیر این صورت نقطه ضعف جبهه خردی برای دشمن مشخص شده و طبیعی است که به سرعت از همان نقطه بهره‌برداری خواهد نمود. در این جنگ، این گفته به حقیقت پیوست که سپاهیان اسلام محکوم قضا و قدر نبودند؛ بلکه، محکوم اعمال خود بودند؛ زیرا بی‌توجهی به حراست از معبری واقع در عقب جبهه از روی سهل‌انگاری و عدم اطاعت از دستور ابلاغی و ترک خودسرانه مواضع و ایجاد فرصت برای نفوذ دشمن، معقول نیست و شاید ناکامی در این جنگ نوعی انداز و هشدار از ناحیه خداوند بود و همان‌گونه که دیدیم در جنگ‌های بعدی همیشه حق، برنده نهایی میدان منازعه اسلام با دشمنانش بوده است.

در جنگ‌های کلاسیک و متعارف قرون اخیر نیز این گفته مصداق کامل پیدا کرده است. بزرگ‌ترین ضعف کشورهای قدرتمند دنیا در قبال این نوع جنگ‌ها، عدم درک و توجه به همین بُعد اعتقادی است که در کشورهای اسلامی به عنوان یک اعتقاد ناب به خالق هستی و در سایر کشورهای دنیا به صورت یک بُعد ناسیونالیستی و میهن پرستی متجلی می‌گردد؛ از نوع اول می‌توان به جنگ تحمیلی هشت ساله و از نوع دوم به جنگ ویتنام اشاره کرد.

سراسر تاریخ جنگ‌ها انباشته از این نمونه‌هاست که در این کتاب به تعدادی از آن‌ها اشاره خواهد شد.

ما در سیستم دفاعی خود، به منظور مقابله با هر تهاجمی که کیان مقدس ما را هدف قرار دهد باید به عنوان یک اصل، از نقاط ضعف دشمن و نقاط قوت خود به بهترین شکل بهره‌برداری نماییم. در واقع تعریف جنگ ناهمتراز هم آن گونه که خواهیم دید، جدای از این واقعیت نیست. طبیعی است هر گونه تغییر در ساختار نیروها و رها شدن تدریجی از یگان‌های سنگین و فاقد تحرک لازم، باید بر اساس همین اصل انجام گیرد. فناوری هیچ‌گاه قادر نخواهد بود اندیشه و بعد اعتقادی انسان‌ها را اندازه‌گیری نماید و این ضعف بزرگ کشورهای جهانی است که بهترین امتیاز، یعنی امکان بهره‌برداری از آن را در اختیار مبارزان حاضر در عرصه نبرد ناهمتراز قرار می‌دهد.

آن‌ها از تفسیر این گفته پیر جمان که «چه کشته شویم و چه بکشیم در هر دو صورت پیروزیم» عاجزند؛ زیرا، تا چیزی را در زیر شنی تانک و زیر پای چکمه سرباز خود احساس نکنند به ماهیت وجودی آن اعتقادی پیدا نمی‌کنند و این بی‌خردی آن‌ها برگ برنده ما خواهد بود.

باید پذیرفت که تاکنون تعریف روشنی از جنگ ناهمتراز ارائه نشده است. بعضی آن را با یک جنگ چریکی درآمیخته‌اند یا با آن به عنوان یک جنگ نامنظم برخورد نموده‌اند؛ درحالی‌که جنگ ناهمتراز در این تعاریف نمی‌گنجد و چون در تعریف آن راه خطایی رفته‌اند، طبیعی است نتیجه‌گیری بر اساس آن تعریف، دقیق نباشد. لذا، در ابتدا لازم است تعریف دقیقی از آن ارائه کرد، سپس ساختار یگان‌ها را بر آن اساس تعریف و در نهایت در تجهیزات مورد نیاز آن بازنگری نمود.

در جهان امروز باید امکانات بالقوه و بالفعل دشمن احتمالی را شناخت و بر همین شناخت، طرح‌های لازم را تهیه نمود. جنگ تحمیلی عراق علیه میهن اسلامی را می‌توان جنگ خاکریزها نامید؛ ولی باید پذیرفت جنگ‌های آینده

این گونه نخواهند بود. در جنگ‌های آینده مفهوم خط مقدم و عقب جبهه تغییر خواهند کرد؛ لذا، برخورد سنتی با این جنگ‌ها، خطایی فاحش است. طبیعتاً ابزار لازم برای این نوع جنگ نیز فراتر از یک ساج نان پزی است که جهت خودکفایی تغذیه در اختیار گروهی سرباز قرار می‌گیرد. باید ابعاد این جنگ را به خوبی شناخت و رهنامه دفاعی خود را بر اساس آن تعریف کرد.

فصل اول: در این فصل جنگ ناهم‌تراز را کالبد شکافی نموده و ماهیت آن را مورد بررسی قرار داده و نمونه های مهم و ملموس این نوع جنگ در مقاطعی از تاریخ ایران و جهان بیان خواهد شد.

فصل دوم: در این فصل آسیب‌پذیری قدرت‌های به ظاهر بزرگ از ناحیه بازیگران غیردولتی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته و بیان خواهد شد که همه کشورهای غربی و آمریکا علی‌رغم فناوری بسیار پیشرفته و انبوهی سازمان‌های امنیتی هنوز هم در مقابل عملیات ناهم‌تراز آسیب پذیرند.

فصل سوم: در این فصل آسیب‌پذیری قدرت‌های بزرگ در بعد تهدید منافع آن‌ها در سراسر جهان در جنگ ناهم‌تراز مورد تجزیه و تحلیل قرار خواهد گرفت. در این فصل بیان می‌شود که این کشورها حتی در حریم داخلی و مرزهای شناخته شده خود نیز آسیب پذیرند.

فصل چهارم: در این فصل آسیب‌پذیری قدرت‌های به ظاهر بزرگ در ابعاد زندگی سیستمی، جنگ اطلاعات و فریب مورد بحث قرار می‌گیرد. به عبارتی گفته خواهد شد که اطلاعات آزاد در این کشورها برای آن‌ها هم نعمت است و هم نعمت.

فصل پنجم: در این فصل نتیجه‌گیری کلی از مطالب فصول گذشته ارائه خواهد شد.

پیش گفتار

جهان ما به سرعت در حال تغییر است و به تبع آن ابعاد مختلف جنگ‌ها نیز در شرف تحولی عظیم و شگرف هستند. به عبارتی ماهیت جنگ‌ها در حال تغییر بوده و میزان تغییرات آن‌ها سریع‌تر از هر دوره دیگر در تاریخ نوین است. برخلاف عرف گذشته و دوران جنگ سرد، بعید به نظر می‌رسد در آینده جهان شاهد آن باشد که قدرت‌های بزرگ نظامی در مقابل یکدیگر صف آرایی نموده و یکدیگر را به چالش بکشند. چنین به نظر می‌رسد که دوران این نوع جنگ‌های سنتی و متعارف عبده در حال سپری شدن است. پیشرفت و توسعه‌های به وجود آمده در فناوری‌ها و ظهور سلاح‌های جدید و مدرن، بعد دیگری را به نیروهای زمینی، هوایی و دریایی اضافه نموده که بعد چهارم یا فضایی نامیده می‌شود. پیشرفت‌های چند دهه گذشته جسارت دفاع کشورهای ضعیف در مقابل سایر کشورها را از خود گرفته و دغدغه آن‌ها را در دفاع از حاکمیت ملی خویش افزایش داده است. در سایه هوش و خلاقیتی که در انسان به ودیعه گذاشته شده، برداشتن هر مانع حاصل از برتری فناوری امکان پذیر گردیده و عبور هکرها و مبارزان ناهمراز از شکاف، انسداد و کنترل سیستم‌های امنیتی و الکترونیکی مؤید این واقعیت است. در جنگ‌های آینده سرعت باید به عنوان یک فاکتور حیاتی برای نیروها در نظر گرفته شود؛ این سرعت از طریق نیرویی به وجود خواهد آمد که کارکنان آن بار آمادی سبک‌تری را حمل نمایند. در جنگ‌های آینده با استفاده از انقلاب اطلاعاتی باید دشمن را ردگیری نمود. در این نوع جنگ‌ها صرف آگاهی از دشمن کافی نیست. سیستم‌های عظیم تسلیحاتی امروزی در جنگ‌های مدرن به علت استفاده از مهمات هوشمند فاقد کارایی رزمی خواهند بود. از سویی می‌توان گفت چینی‌ها عاقلانه‌تر از غرب و آمریکا عمل می‌کنند و حداقل سرمایه‌گذاری روی ساخت ناوهای هواپیمابر را اعمال می‌کنند و با تأکید بر مین‌های دریایی، موشک‌های مافوق صوت کروز و اژدرهای با سرعت بسیار بالا قابلیت‌های نظامی خود را افزایش می‌دهند.

کماکان این استدلال در غرب و آمریکا وجود دارد که باید نیروهای متعارف برای یک جنگ احتمالی متعارف در آینده حفظ گردند، ولی این سؤال وجود دارد که این نوع جنگ‌ها با افزایش فناوری، تلفات بسیار گسترده‌ای را در بر خواهند داشت یا خیر؟ اگر پاسخ مثبت باشد شروع آن‌ها غیرعقلانی است. همین استدلال غلط در راستای حفظ نیروهای متعارف در غرب و آمریکا باعث شده که سالانه میلیاردها دلار صرف بهینه‌سازی و تجهیز آینده شود. این رویه در آستانه صد سالگی عمر خود بوده و فرسوده و ناکارآمد شده است.

این نکته بدین معنی است که در آینده هر تاکتیکی که مبتنی بر اندیشه و هوش انسانی باشد برتری فناوری را به چالش خواهد کشید و بدون شک اندیشه برتر، پیروز نهایی میدان هر منازعه و درگیری خواهد بود. در حال حاضر مبارزان ناهمتر از جهان با استفاده از فناوری‌های موجود و روش‌های مبتکرانه مشغول مبارزه می‌باشند و خود غرب و آمریکا علیه آن‌ها می‌جنگند. این مبارزان بدون ساختار منسجم و معین توانسته‌اند از فناوری‌های موجود در جهان بهترین بهره‌برداری را نمایند. تغییر ماهیت جنگ، گرایش به سمت رویکردهای ناهمتر از در جنگ‌های آینده را اجتناب‌ناپذیر ساخته و به عبارتی جنگ‌های آینده عرصه رقابت تنگاتنگ تاکتیک‌های ناهمتر از خواهند بود. در جنگ‌های آینده تمایزی بین خطوط مقدم و عقب جبهه وجود نخواهد داشت و در این جنگ‌ها همه امکانات قابل رؤیت دشمن هدف تلقی نگردیده و مورد تهاجم قرار نخواهند گرفت؛ بلکه، امکان آینده که شکست روحیه دشمن، کسب پیروزی و برتری را تسهیل نماید هدف گرفته می‌شوند. در یک جنگ ۱۳ استفاده از عوامل آن جهت دفاع در مقابل دشمن، مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرد. اصولاً در جنگ‌های آینده فعالیت‌ها حول محورهای زیر قرار خواهند داشت.

• تسهیلات فرماندهی و کنترل هدف گرفته می‌شوند تا موانع از تبادل و انتقال اطلاعات گردند.

* ابتدا به عمق اهداف راهبردی حمله خواهد شد؛ همه توانمندی‌های زمینی، هوایی، دریایی و فضایی با یکدیگر هماهنگ و همزمان علیه طرف مقابل به کار گرفته خواهند شد.

* تا حد امکان از تهاجم جبهه‌ای اجتناب می‌شود.

* تلاش می‌گردد از فعالیت طرف مقابل اطلاعات لازمه کسب شود، به گونه‌ای که مانع از افشای اطلاعات خودی شود (نبرد سایبری).

آمریکایی‌ها بر این عقیده‌اند که فناوری‌های پیشرفته آن‌ها تا این مقطع زمانی توانسته است به خوبی از منافع آمریکا و متحدان او در جنگ‌های خاورمیانه حفاظت نماید؛ در همین راستا، ارتش آمریکا در حال تغییر به سمت جنگ متحرک‌تر با استفاده از وسایل پرنده بدون خلبان و روبات‌ها است. فناوری‌های موجود در ارتش آمریکا که جهت شناسایی مورد استفاده قرار می‌گیرند، می‌توانند شناسایی مواضع دشمن را با وسایل پرنده بدون سرنشین و هواپیماهای رادار گریز استیلان انجام دهند. در واقع جنگ‌های آینده شامل انبوهی از وسایل پرنده بدون سرنشین و هزاران روبات خواهند بود.

نبرد شبکه محور، هسته مرکزی سیستم‌های جنگ‌های آینده را تشکیل خواهد داد. این سیستم این امکان را به وجود خواهد آورد که هر یگانی اطلاعات به موقع خود را با سایر یگان‌ها به اشتراک بگذارد، لذا جابه‌جایی هماهنگ و عکس‌العمل به حوادث میدان جنگ سریع و دقیق خواهد بود. به عنوان مثال، در جنگ‌های آینده یک دسته تانک که از سرعت و چالاکی برخوردار است، در صورتی که فرامین دریافتی آن مبهم باشد، فاقد هرگونه مزیت خواهد بود؛ یا اگر فرماندهان آن‌ها اطلاعات کافی را جهت تصمیم‌گیری سریع در کوتاه‌ترین زمان در اختیار نداشته باشند، باز فاقد مزیت خواهند بود.

به‌کارگیری گسترده فناوری‌های اطلاعات در جنگ‌های آینده به مفهوم رد نقش عنصر انسانی در جنگ نبوده و واضح است این عنصر کماکان دارای نقش

حیاتی در جمع‌آوری اطلاعات جنگ‌های آینده خواهد بود. جنبه دیگر جنگ اطلاعات در آینده توسعه فضای جنگ به ماورای عرصه نظامی سنتی و متعارف خواهد بود. اهداف یک جنگ اطلاعاتی در آینده می‌توانند شامل تمام غیرنظامیان و زیرساخت‌های اقتصادی یک ملت باشند. جنگ اطلاعاتی معرف اندیشه‌ای است که در آن همه منابع ملی به اهداف بالقوه تبدیل می‌شوند. نقش جنگ اطلاعات همیشه در محور بحث و مناقشات متفکران قرار داشته است. عده‌ای آن را تأمین کننده قابلیت برای شکست دادن تمایل انسانی با حداقل استفاده از نیروی فیزیکی می‌دانند. در این دیدگاه، به‌کارگیری عملیات اطلاعاتی برای نیل به یک مزیت عالی ضروری است. این ضرورت اقتباسی از نظریه معروف سان تز می‌باشد بر شکست مقاومت دشمن بدون جنگیدن است. عده‌ای نیز بر این عقیده‌اند که عملیات اطلاعاتی می‌تواند به عنوان مکملی برای جنگ متعارف در جهت از بین بردن تمایل دشمن به کار گرفته شود. گروه سوم نیز هستند که اعتقاد دارند معرفت‌شناسی از دشمن هدف اصلی و راهبردی بوده و نیروی فیزیکی در مرحله بعد از نیروی ادراک قرار دارد.

سلاح اطلاعات همیشه باید همراه و پیوسته با سلاح‌های متعارف به کار گرفته شود و در واقع باید از آن به عنوان یک سلاح پیشرو جهت کور نمودن دشمن استفاده کرد. تعدادی از متفکران نظامی بر این باورند که تغییرات شگرف ایجاد شده در شیوه‌های جنگیدن، نتیجه فناوری‌های اطلاعاتی هدايتگر هستند. در آینده شبکه جهانی، مبارزان ناهم‌تراز را که ممکن است فاقد نیروی فیزیکی باشند تقویت خواهد کرد و آن‌ها را برای یک تهاجم مؤثر به همه شبکه جهانی قادر خواهد ساخت. در آینده شدیدترین سطح درگیری در بعد نظامی جنگ کنترل و فرماندهی است.

جنگ‌های آینده از هیچ نظر مشابه جنگ‌های خلیج فارس نخواهند بود، یعنی جنگی که طی آن یک طرف بدون انگیزه (مثل نیروهای عراقی) در همان ابتدای درگیری از هم پاشیده و مضمحل گردد. دفاع ما در آینده بیش از آنکه

به تخصص‌های فنی نیازمند باشد به ابتکار نیاز دارد. این روند مادامی که در دوران گذار هستیم باید ادامه داشته باشد.^۱

عده‌ای بر این عقیده‌اند که جنگ جهانی بعدی در فضای سایبری رخ خواهد داد. در دنیای سایبر ابرقدرت وجود ندارد و هر یک از کاربران می‌توانند به نوبه خود یک ابر قدرت باشند و این مسئله بر شدت این جنگ خواهد افزود.

در جبهه مقابل نیز تجاوزهای دشمن به دلیل افزایش دقت سلاح‌ها، ملاحظات اقتصادی (گران بودن تسلیحات)، ضرورت کوتاه سازی طول دوره جنگ، اجتناب از به کارگیری توان در محیط‌های حاشیه‌ای و غیرضروری خواهد بود. جنگ‌ها بیش از آنکه محیط‌های پیوسته و یکپارچه‌ای از صحنه جنگ را در بر گیرند، محیط‌های ناپیوسته و در عین حال وسیعی از صحنه را در بر خواهند گرفت. نتایج این ناپیوستگی به شرح زیر است.

۱- محیط رزم را وسیع می‌کند.

۲- تمرکز را روی مراکز ثقل می‌گذارد.

۳- محیط را غیرخطی می‌کند.

نظریه جنگ‌های آینده حاکی است که در طرح‌ریزی، مراکز ثقل کشور هدف به دقت شناسایی می‌گردد و چنانچه این مراکز با دقت لازم شناسایی شوند و مورد هدف قرار گیرند، کشور مورد تهاجم در اولین روزهای جنگ، طعم شکست نظامی را چشیده و در کوتاه‌ترین مدت به خواسته‌های کشور مهاجم تن داده و تسلیم خواهد شد (جان واردن^۲). در قبال این فرضیه، کشورهایی نظیر میهن اسلامی ما که بار تخصص طولانی با آمریکا را یدک می‌کشد، باید درصدد کاهش اثرات ضربه اولیه دشمن به وسیله ارتقای توان رزمی از طریق پدافند عامل و غیر عامل باشد. از دیدگاه فوق، مراکز ثقل یک کشور هدف، مثل اعضای یک بدن در نظر گرفته شده‌اند که در صورت انهدام و تخریب هر یک از اعضای سیستم، پیکره و کالبد کشور هدف فلج گردیده و قادر به ادامه فعالیت و

^۱ - حیدری، کیومرث؛ سخنرانی در جمع فرماندهان یگان‌های عمده نزاچا؛ ۱۳۸۹

^۲ - جان واردن، سرهنگ نیروی هوایی آمریکا و طراح نظریه معروف پنج حلقه واردن؛ ۱۹۹۱

حیات نخواهد بود. مراکز ثقل شامل پنج حلقه متحدالمرکز زیر است که مجموعاً سیستم و ساختار قدرت یک کشور را تشکیل می‌دهند.

۱- حلقه اول: رهبری ملی؛

۲- حلقه دوم: محصولات و تولیدات کلیدی؛

۳- حلقه سوم: زیرساخت‌ها (سیستم حمل و نقل)

۴- حلقه چهارم: جمعیت مردمی و اراده ملی؛

۵- حلقه پنجم: نیروهای عملیاتی.

رسالت‌ها در قبال آینده

نگاهی هر چند گذرا به آنچه در مقدمه و پیشگفتار این کتاب بیان شد و در بخش‌های مختلف این کتاب نمونه‌های ملموس آن را مشاهده خواهید نمود در مجموع گویای این واقعیت هستید که ما در جهان پرتلاطمی زندگی می‌کنیم و برخلاف تصورات، منازعات جهانی نه تنها بعد از فروپاشی شوروی سابق و به تاریخ سپرده شدن دوران جنگ سرد فروکش نکرد؛ بلکه، گسترده‌تر نیز گردیده است. به عبارتی رسیدن به یک زندگی مبتنی بر صلح و آرامش جهانی به رؤیا تبدیل گردیده است. نظم‌های منطقه‌ای دچار بی‌ثباتی شده‌اند، رقابت بین بازیگران مختلف شدت یافته است و هیچ‌گونه نشانه‌ای از موازنه قدرت به چشم نمی‌خورد و بازیگران جهانی در قبال هژمونی آمریکا احساس خطر می‌کنند. هر روزه شاهدیم چگونه شعله‌های جنگ، یکی پس از دیگری در اقصی نقاط جهان زبانه کشیده و هزاران انسان را به کام مرگ و نیستی فرو می‌برد. همین بی‌ثباتی حاکم بر جهان باعث گردیده که رهبر معظم انقلاب اسلامی ایران در هر مناسبت خاص گوشه‌ای از این توطئه‌ها را روشن ساخته و رسالت همگانی جهت تقابل با این تهدیدات در آینده را متذکر گردند.

فرمان مقام معظم فرماندهی کل قوا

«به مسئله پیش‌بینی‌های لازم برای مواجهه احتمالی اهمیت بدهید؛ البته، منظور از مواجهه احتمالی، در برآوردهای سیاسی است، مثلاً ممکن است مواجهه با آمریکا یا با هر کشور دیگری رخ بدهد یا رخ ندهد، احتمالاتی دارد. اما نیروهای نظامی باید این احتمال

را صد در صد در نظر بگیرند. باید با این روحیه کار کنید. باید پیش بینی‌های لازم را در همه سطوح بکنیم.» در این بیانات ژرف و عمیق رهبر معظم انقلاب که ملهم از نگاه عمیق و بصیرت معظم له بر همه مسایل جهانی است، حجت بر همگان تمام شده است. این گفتار گویای این واقعیت است که برنامه‌ریزی برای یک جنگ احتمالی که تا حد بسیار زیادی به گونه ناهمتراز خواهد بود، باید به طوری انجام گیرد که گویی دشمن به دروازه‌های سپهن اسلامی ما نزدیک شده است؛ لذا، فرصت اندک است و کار بسیار شاق و جایی برای تعلل باقی نمی‌ماند. فعالیت‌های جسته و گریخته‌ای که انجام شده مؤید این واقعیت است که هنوز ترک درستی از یک جنگ ناهمتراز به دست نیامده است. به عبارتی برخورد ما با این نوع جنگ تاکنون با تعاریف جنگ‌های چریکی و گریلابی خلط گردیده است و هنوز نتوانسته‌ایم مرز مشخصی را برای آن تعریف نماییم یا در بیان واقعیت‌های نهفته در این جنگ تاکنون چندان موفق نبوده‌ایم؛ در حالی که ابعاد این نوع جنگ بسیار گسترده بوده و مستلزم شناخت دقیق ماهیت و تعاریف انجام شده از آن در سطح جهانی، سپس تطبیق آن با نیازهای خودمان است. در سنگری مخفی شدن و ناگهان از پشت تانک دشمن را هدف قرار دادن یا خلاصه نمودن خودکفایی تغذیه گروهی سرباز به یک ساج نان پزی در واقع چیزی به جز به تمسخر گرفتن این نوع جنگ نیست. نگهداری تعدادی سرباز در مواضع پدافندی محدود و متراکم که با یک سلاح شیمیایی در مدخل آن کشتار فجیعی را باعث خواهد گردید ایده خامی است. کشورهای غربی و آمریکا با تجارب طولانی ناشی از تجاوزهای خود در طول تاریخ هنوز در تفسیر این نوع جنگ در عراق و افغانستان درمانده‌اند. در عصر جدید جنگ‌های ناهمتراز را باید انعکاس وضعیت نابرابر قدرت در سیاست بین‌المللی دانست. در بُعد اجرایی نیز همان‌طور که گفته شد، جنگ‌های گذشته و متعارف از تاکتیک شروع می‌شدند و به راهبرد ختم می‌گردیدند. ولی جنگ‌های آینده از سطح راهبردی شروع شده و به تاکتیک ختم خواهند شد. به عبارتی تاکتیک‌ها از مناطق راهبردی شروع می‌شوند. جنگ‌های آینده از عمق شروع خواهند شد در صورتی که، اگر نبرد متعارف و سنتی بود جنگ از سطح راهبرد شروع نمی‌شد.

ولی در جنگ ناهمتراز آینده این گونه خواهد بود. برای آمادگی جنگ ناهمتراز آینده باید به سه سؤال اساسی پاسخ داد.

۱- جنگ آینده چگونه به نظر می‌رسد؟

۲- میدان نبرد در نوع جدید جنگ چگونه خواهد بود؟

۳- دشمن بالقوه ما کیست؟

اظهارات غربی‌ها و آمریکا که گاهی مهملاتی بیش نیستند و نافی آماده شدن ما برای یک جنگ ناهمتراز در آینده نخواهند بود؛ لذا، باید فعالیت‌های خود را بر اصول زیر متمرکز نماییم.

آموزش: پایه و اساس هر گونه فعالیتی در جنگ‌های ناهمتراز آینده را آموزش تشکیل می‌دهد. باید این واقعیت را پذیرفت که برنامه‌های جاری آموزشی ما جوابگوی جنگ‌های آینده به ویژه جنگ‌هایی از نوع ناهمتراز نیستند؛ لذا، باید دگرگونی‌های عمیقی در محتوای آن‌ها به وجود آید. یک مبارز ناهمتراز باید بتواند در آینده در همه شرایط کشور فعالیت نماید. آموزش این افراد باید در همه مناطق کشور و در هر نوع شرایط جوی و جغرافیایی انجام گیرد. جنگ‌های آینده جنگ خاکریزها نخواهند بود که نیروها سال‌های متمادی در پشت آن‌ها مستقر شوند. با توجه به اینکه در جنگ‌های آینده ناهمتراز، جبهه و پشت جبهه دیگر مفهومی نخواهند داشت، باید آموزش همه نیروها اعم از رزمی و آمادی را در بر گرفته و هیچ تفاوتی در امر آموزش و سلاح بین آن دو قائل نشویم.

سازمان: در اکثر ارتش‌های جهان تجدید نظرهای عمده‌ای در ارتباط با تغییر ساختار یگان‌های نظامی و تبدیل آن‌ها به یگان‌های چابک و سریع و با قابلیت انعطاف برای جنگیدن در دست اقدام است. جنگ افغانستان این مسئله را ثابت کرد که گسیل یگان‌های سنگینی چون زرهی به این نوع سرزمین کوهستانی صرفاً یک جهالت محض نظامی است. سازماندهی یگان‌ها باید بر اساس چابکی و تحرک بیشتر انجام گیرد و چون در جنگ‌های آینده سرعت، عامل تعیین کننده‌ای خواهد بود، تجهیزات همراه سرباز باید تا حد ممکن سبک و با کیفیت

باشند تا مانع از تحرک او نشوند. با توجه به اینکه دوران صدور و ابلاغ دستور خارج از عرصه نبرد آن هم به وسیله کسانی که از دور بر صحنه نبرد نظارت داشته و به مشکلات ملموس عرصه نبرد آگاهی ندارند، سپری شده، یگان‌ها را باید در مسیر طرح ریزی تمرکزی و اجرای غیر تمرکزی هدایت نمود و برای خود کافی کردن آن‌ها تلاش نمود.

افراد: وجود اعتقاد عمیق دینی برای کلیه کارکنانی که در محیط نبرد ناهمتر از به دفاع از میهن اسلامی مبادرت خواهد ورزید اجتناب ناپذیر است؛ البته، انتخاب فرماندهان برای هدایت عده‌ها اهمیت بسیاری دارد.

تجهیزات انفرادی: در جنگ‌های آینده تجهیزات انفرادی یک سرباز باید ضمن سبک بودن از کیفیت بسیار بالایی برخوردار باشد. استفاده از تجهیزات کنونی که باعث خستگی مفرط نیروها می‌گردند، در جنگ‌های آینده جایگاهی ندارند.

پدافند غیرعامل: در محیط دفاع ناهمراز پدافند غیرعامل مؤلفه‌ای بسیار حیاتی خواهد بود. در چرخه پدافند غیرعامل باید آگاهی احاد جامعه در مورد حفاظت از خود مدنظر قرار گرفته و از طریق رسانه‌های جمعی به تدریج احاد مردم با ماهیت پدافند غیرعامل آشنا گردند. طبیعی است هر مقدار که این آموزش گسترش یابد به همان میزان از تلفات جانبی ناشی از جنگ کاسته خواهد شد. مانورهای انجام شده در رابطه با پدافند غیرعامل باید از حالت تصنعی خارج و رنگ واقعیت به خود بگیرند مضاف بر اینکه ممارست آن باید به طور مستمر ادامه یابد، به گونه‌ای که در نهایت وظیفه هر بخش نهادینه گردد. یک پدافند غیرعامل زمانی با موفقیت همراه می‌گردد که همه نهادهای مردمی و دولتی به گونه‌ای فعال در آن مشارکت نموده و یک وحدت فرماندهی و هدایت از یک نقطه تمرکزی بر آن صورت گیرد.

حفاظت از زیر ساخت‌ها: بدون شک تهاجم آینده علیه میهن اسلامی عمدتاً به صورت تهاجم هوایی و حملات موشکی خواهد بود که هدف اولیه آن انهدام کامل زیرساخت‌ها است. افزایش فناوری غرب و آمریکا باعث گردیده که همه

پایگاه های نظامی ما حتی در دورترین نقطه کشور در تیررس نیروی هوایی دشمنان ما قرار گیرند؛ لذا، حفاظت آن ها بیش از پیش ضروری به نظر می رسد. ما که بار تجربه گران بهایی از حفاظت زیرساخت ها در دوران جنگ تحمیلی را در سوابق خود داریم باید با تلفیق این تجارب و نیازهای جدید نسبت به محافظت تدوینی این زیر ساخت ها اقدام نماییم به گونه ای که آسیب های وارده به آن ها در اثر تهاجمات احتمالی هوایی به حداقل ممکن کاهش یابند.

هماهنگی: دفاع آینده ما در مقابل متجاوز ایجاب می کند ارتباط و هماهنگی تنگاتنگی بین همه نهادهای دولتی و غیردولتی در جهت یکپارچه نمودن فعالیت آن ها انجام گیرد. طبیعی است این هماهنگی نیاز به یک مرکز و متولی خاصی دارد که همه آن ها را یکپارچه نماید. آشفته گی و بی نظمی حاصل از یک تهاجم احتمالی می تواند تلفات را افزایش دهد. فعالیت های ما در طول حوادث طبیعی نظیر زلزله و سیل تاکنون موید این نکته بوده که فعالیت ها در این حالت به علت عدم هدایت درست و نبود مرجعی واحد، بیشتر هرز می رود و چنانچه این بی نظمی در زمان حملات اولیه دشمن دیده شود، در حد وسیعی به آمار تلفات خواهد افزود. همه این ها بنا به رهنمود های رهبر معظم انقلاب باید به گونه ای طرح ریزی گردیده و بارها تمرین و ممارست شوند که بتوانند شوک اولیه دشمن را دفع نمایند.